

... در این زندان‌هایی که می دهند، شوخی نیست بازی کردن با زندگی مردم، چون زندان رفتن، یعنی بازی کردن با زندگی مردم، زن و بچه، همگی رنج می برند... ضربه هم بیشتر به آنها می خورد تا کسی که می رود زندان.

در برنامه ریزی ها، این ها واقعاً بگذارند و بروند این ها را یکی یکی کنترل کنند، شوخی نیست، زندانی کردن با جان و مال و ناموس و همه این ها بازی می کند و آثار بسیار بدی را دارد.

حضرت ایت الله هاشمی شاهرودی

«آموزش برای کلیه ی گروه های شغلی هدف»

حقوق بشری زندان

ایوب میلیکی

کارشناس ارشد حقوق جزا

Ayoob_Milaki_ir@yahoo.com

بخش سوم و پایانی

اشاره

در مباحث پیشین، برخی از مفاهیم کلی و موضوعات مرتبط با زندان را برای فراگیران محترم توضیح دادیم. در این شماره نیز، قصد داریم اشاره ای کوتاه و مختصر به پاره ای از اثرات فردی و اجتماعی مجازات زندان پیردازیم و ذهن مخاطبان محترم را برای ورود به مباحث حقوق بشری زندان و جایگاه این مجازات در اسناد داخلی و بین المللی آماده سازیم. از فراگیران انتظار می رود با مطالعه ی مطالب این شماره بتوانند آثار و پیامدهای مختلف زندان را در بعد فردی و اجتماعی تعریف و تشریح نمایند.

متحدالشکل نمود و ساعات کار و ملاقات تعیین کرد و برنامه ی غذایی و بهداشتی برای زندانیان ارایه داد.

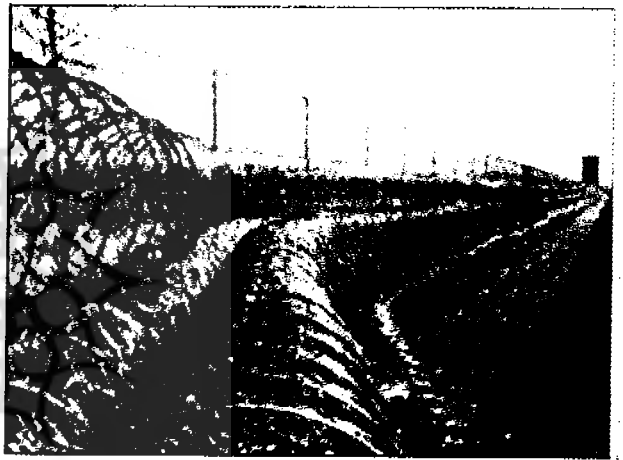
برای اولین بار، پس از مشروطه ی دوم و بازگشایی مجلس و پس از انقراض سلسله قاجار در سال ۱۳۰۴ شمسی در قانون مجازات عمومی ایران مصوب ۲۳ دی ماه ۱۳۰۴ به اقتباس از قانون ۱۸۱۰ میلادی فرانسه (موسوم کد ناپلئون)، مجازات زندان برای جرایم جنایی و جنحه در نظر گرفته شد. که این مجازات ها عبارت بودند از: ۱- حبس ابد با اعمال شاقه ۲- حبس موقت با اعمال شاقه از سه تا ده سال ۳- حبس مجرد از دو سال تا ۱۵ سال و مجازات های سالب آزادی جنحه مهم عبارت بودند از: طبق ماده ۹ قانون، حبس تادیبی از ۱۱ روز تا ۳ سال و طبق ماده ۱۰ حبس تادیبی از ۱۱ روز تا ۱ ماه و طبق ماده ۱۱، مجازات سالب آزادی خلاف، حبس تکذیری از دو روز تا ده روز بوده که ماده ۱۱ قانون مجازات عمومی در تاریخ ۱۳۲۱/۵/۱۴ شمسی اصلاح شد و حداقل مجازات ۱۱ روز تعیین شد و کل قانون مجازات عمومی در

الف- جایگاه و پیشینه ی تقنین مجازات زندان در ایران

به حکایت تاریخ، در ایران قبل از مشروطیت، زندان ها وضع اسفناک و فجیعی داشتند و هیچ نوع مقررات یا اصول خاصی بر آن ها حاکم نبوده است. بعد از صدور حکم مجازات از جانب حکم، زندانیان ها که به «فراش باشی» معروف بودند و لباس های خوف انگیز بر تن می کردند، با کمک دستیاران خود که به آنان نیز فراش می گفتند، به پای زندانی نگون بخت غل و زنجیر زده و او را شلاق می زدند و در اغلب موارد زندانی را به حال خود رها می کردند تا بمیرد.

در زمان ناصرالدین شاه فردی از اتباع دولت ایتالیا جهت اصلاح امور زندان ها به نام «کنت دمونت فور» به ایران دعوت شد که در عمل توفیق چندانی حاصل نشد. بعد از جنگ جهانی اول شخصی سوئدی به نام «وستهال» استخدام شد و او تا اندکی موفق شد وضع زندان ها را ترمیم کند. غل و زنجیر را حذف و لباس زندانیان را

سال ۱۳۵۲ مورد بازبینی قرار گرفت و مجازات زندان در مورد جنایات بدین شرح اصلاح گردید: مجازات‌های اصلی جنایات: ۱. حبس دائم ۲. حبس جنایی درجه یک از سه تا ۱۵ سال ۳. حبس جنایی درجه‌ی دو از دو تا ده سال و حبس‌های جنایی توأم با اعمال شاقه و حبس مجرد و حبس جنایی درجه دو جانشین حبس مجرد شد و مجازات اصلی جنحه نیز حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا ۳ سال مقرر گردیده بود. بعد از انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۶۱ با تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی و متعاقباً تصویب و اصلاح قوانین جزایی در سال‌های ۱۳۶۲، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ نظام مجازات ایران دچار دگرگونی‌ها و تحولات عمیقی شد. براساس قانونگذاری‌های پس از انقلاب، هر چند مطابق اصل ۴ قانون اساسی بر اسلامی و شرعی بودن قوانین مصوب تأکید جدی شده بود و با وصف اینکه مجازات زندان در فقه و شرع مقدس اسلامی جایگاهی ندارد، با این حال، قانونگذار کیفری با تصویب قوانین حبس زاو با جرم‌انگاری‌های افراطی، بیش از ۵۰۰ عنوان مجرمانه مستوجب زندان را وارد قلمرو حقوق کیفری ایران نمود



و در عمل، زمینه‌ی ظهور تورم کیفری و ازدحام جمعیت زندان‌ها را فراهم آورد. سیستم زندانبانی جدید تحت تأثیر ایرادات، ابهام و نارسایی قوانین موجود و مهمتر از آن، اصرار بیش از حد قضات دادگاه‌های کیفری به صدور احکام حبس، با بحران و چالش جدی مواجه شد. این مسئله نه تنها نگرانی مسئولان امر را از پیامدها و آثار منفی اجرای مجازات حبس به نحوی فزاینده برانگیخت، بلکه هدف‌ها و آرمان‌های متناسب به مجازات زندان را در ابعاد اصلاحی- تربیتی، بازپرورانه و بازدارندگی عام و خاص تحت تأثیر قرار داد.

شکست تدابیر و برنامه‌های اصلاحی و بازپرورانه به دلیل هجوم چشمگیر محکومان و متهمان بازداشتی و ناتوانی نظام زندانبانی در ارزیابی مطلوب خدمات و برنامه‌های موردنیاز، ذهن مسئولان قضایی و زندانبانی کشور را به سمت تغییر نگرش‌ها و سیاست‌های کیفری کلاسیک از جمله حبس‌زدایی رهنمون ساخت.

در چنین شرایطی، با الگوبرداری از تجارب و یافته‌های علمی و عملی کشورهای پیشرفته، اندیشه‌ی جایگزینی مجازات‌های اجتماعی به جای مجازات زندان رونق گرفت. بدین سان، اندیشه‌ی نوین «حبس‌زدایی» با ساز و کارها و ویژگی‌های خاص خود مورد

توجه و تأکید زعمای قضایی به ویژه ریاست وقت قوه‌ی قضاییه واقع شد و محور سیاست‌های فعلی قوه‌ی قضاییه و سازمان‌زندان‌ها بر طرح کاهش آمار ورودی به زندان‌ها و راهکارهای حبس‌زدایانه قرار گرفت. در حال حاضر نیز، با صدور حکمی رسمی توسط ریاست قوه‌ی قضاییه، سازمان زندان‌ها و دفتر آموزش و پژوهش این سازمان مسئولیت تشکیل ستاد موسوم به «ستاد حبس‌زدایی» را به عهده گرفت و مقرر شد با برپایی کمیته‌های تخصصی، جلسات علمی و اجرایی طرح‌ها و پروژه‌های پژوهشی و کارشناسانه، در جهت برنامه‌ریزی سیاست‌گذاری و تدبیر راهبردهای اصولی در زمینه کاهش تعداد زندانیان گام برداشته شود. زیرا مسئولان امر نیز به خوبی این موضوع را درک نموده‌اند که اجرای مجازات زندان بدون توجه به پیامدها و تبعات منفی آن، مشکلات و چالش‌های جدی را متوجه زندانی و جامعه خواهد ساخت.

ب- پیامدهای فردی و اجتماعی زندان

۱- آثار منفی زندان بر زندانی

شخص زندانی به اجبار از اجتماع آزاد محروم و به محیطی بسته با فرهنگی خاص وارد می‌شود. مکانی که بسیاری از ارزش‌های اجتماعی اصولاً یا رعایت نمی‌شود یا فسد ارزش تلقی می‌شود. در چنین محیطی، زندانی از لحاظ معاشرتی محدود می‌شود و قدرت‌گزینش وی در انتخاب دوستان و معاشیان مناسب به حداقل ممکن محدود شود. برای رهایی از تحقیر و تمسخر سایر زندانیان حرفه‌ای و سابقه‌دار به ناچار تاسی باخلاق و رفتار آنان را پیشه می‌کند. از نظر اقتصادی نیز چون دیگر بار تأمین هزینه‌ی زندان‌کی بر دوش وی نمی‌باشد، احساس بیهودگی و بویچی می‌نماید. از طرف دیگر، از آنجا که نیازهای اولیه‌ی زندان‌کی او از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و غیره توسط زندان تأمین می‌شود، به مرور زمان مسئولیت‌پذیری وی دچار خلل شده و اگر مدت محکومیت او بیشتر باشد، رفته رفته دچار سستی و رخوت و بیکاری در وجود او نهادینه می‌شود و پس از آزادی به لحاظ عدم تطابق شخصیتی با اجتماع و عدم اعتماد به نفس و عدم عادت به کار کردن، زمینه‌ی ارتکاب جرم مهیا و امکان تکرار جرم بسیار محتمل است.

۲- تأثیر زندان بر خانواده زندانی

زندان را مجوز و نسخه از هم پاشیدن و اضمحلال کانون خانواده می‌دانند. زندانی شدن یک شخص که در حقیقت تنها نان‌آور خانواده و پشتیبان زن و فرزندان خود می‌باشد، خانواده را از لحاظ روحی، روانی، اقتصادی و اجتماعی به شدت متاثر می‌سازد. این امر زمینه‌ی ناخشنودی همسر را فراهم می‌آورد و وی ناگزیر بر یافتن یک چتر حمایتی جدید با مراجعه به دادگاه و اخذ گواهی عدم امکان سازش تقاضای طلاق و جدایی می‌کند.

بعلاوه، جدا کردن محکوم به حبس از خانواده موجب ورود لطمات روحی و معنوی همسر از بابت عدم توانایی ایفای وظایف زناشویی از طرف همسر زندانی خواهد بود که خود موجبات مفاسد بعدی را فراهم می‌آورد؛ از قبیل تأمین نیاز جنسی زن از طریق نامشروع که هم باعث

ویرانی کانون خانواده و هم عامل ترویج فساد در اجتماع خواهد بود.

۳- تاثیر زندان بر فرزندان زندانی

بنابر تحقیقات انجام شده، میزان ارتکاب جرم در بین جوانانی که دارای خانواده‌های زندانی بوده‌اند یا در اثر ارتکاب جرم بنیان خانواده متلاشی شده است ۷ برابر بیشتر از سایر خانواده‌هاست. و این مطلب اتفاقی نیست که ۱۴ درصد از پدران و یا مادران جوانان بزهکار سابقه محکومیت دارند. آیا می‌توان بزهکاری این افراد را نشانه‌ی وراثت بیولوژیکی دانست؟

آنچه مسلم است وقتی عوارض مربوط به تأثیرات روانی کودکان را بررسی کنیم ملاحظه می‌شود که کودکانی که یکی از پدر و مادر آنان به مجازات حبس طولانی محکوم شده‌اند، تا حدودی رابطه‌ی عاطفی تقریباً قطع شده و این کودکان در سال بیش از چندین بار آنان را ملاقات نکرده‌اند. لذا هر گاه نیازهای مادی و معنوی فرزند از طریق پدر یا مادر به طور طبیعی تامین نشود، او این کمبود را می‌خواهد از طریق نقض همه‌ی ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و اجتماعی کسب کند و به خصوص اگر مدت محکومیت مادر یا پدر طفل بیشتر و طولانی‌تر باشد و حبس‌های طولانی بر والدین وی تحمیل شود که در آن صورت جراحات‌های عاطفی و ناملاط روحی بیشتری خواهد بود و نتیجه‌ی همه این ضعف‌ها و کمبودها هدایت کودک یا نوجوان به سمت ارتکاب جرم و جنایت می‌باشد.

۴- پیامدهای بعد از خروج از زندان

تحقیقات ثابت کرده است که افکار عمومی، نحوه‌ی اجرای مجازات زندان را مورد انتقاد قرار داده و آن را یکی از موارد گسترش و ازدیاد خشونت و بزهکاری می‌دانند. به نظر آنان (افکار عمومی و مردم)، در تجزیه و تحلیل وضع واقعی زندان‌ها دو نقص عمده وجود دارد؛ یکی اینکه در اثر تماس مستقیم زندانیان با یکدیگر و معاشرت آنان، زندان به صورت مدرسه بزهکاری درآمده است. یعنی زندانیان تازه وارد و کسانی که فاقد سابقه هستند، در اثر معاشرت با زندانیان با سابقه و شرور، راه‌های جدید بزهکاری و تشکیل باندهای تبهکاری را آموخته و پس از آزادی سریعاً جذب چنین گروه‌هایی می‌شوند. دیگر اینکه، آزادی قبل از موعد زندانی با استفاده از اهرم‌های قانونی نظیر آزادی مشروط و عفو و گذشت شاکی خصوصی باعث کاهش اهمیت زندان شده و بزهکار را امیدوار به استفاده از چنین اهرم‌هایی می‌نماید و ریسک ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد. در واقع بزهکار با یک پیش فرض و محاسبه مبنی بر اینکه چند درصد امکان دستگیری هست و چند درصد امکان محکومیت بعد از دستگیری وجود دارد، منافع و مضار حاصله از ارتکاب جرم را در مخیله خویش ارزیابی می‌نماید و در صورت برتری منافع بر زیان‌های احتمالی، مسیر ارتکاب جرم را برمی‌گزیند. این همان «ژرمی نیتام» دانشمند معروف انگلیسی است که به «اصل حسابگری» معروف است و بر این نکته تأکید می‌ورزد که بزهکار اصولاً محاسبه‌گر است و قبل از آنکه در وادی جرم و بزهکاری نهاد، تمامی جوانب، آثار و پیامدهای ناشی از آن را در ذهن خویش مرور کرده و سپس اندیشه‌ی مجرمانه خود به محک تجربه و آزمون می‌گذارد.

وقتی که بزهکار از زندان نیز آزاد می‌شود، در واقع همان مشکلات قبلی که زمینه‌ی ارتکاب جرم توسط او را فراهم آورده است، این بار نیز وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در حقیقت زندان تضمینی برای حسن سلامت و جلوگیری از تکرار جرم توسط زندانی ارایه نمی‌دهد و به محض اجرا بزهکار را با هزاران معضل و نابسامانی به حال خود رها می‌نماید. اینگونه است که به محض ترخیص از زندان مشکلاتی نظیر نداشتن مسکن، بیکاری، طلاق همسر و آکراه اطرافیان از برقراری روابط اجتماعی و کاری با او زمینه‌های روحی-روانی بروز افسردگی، ضعف اعتماد به نفس و حس انتقام و کینه‌توزی را در وی تقویت می‌نماید و چه بسا به محض تجمع محرک‌های مجرمانه به این سمت گرایش می‌یابد. طرفداران مکتب «دفاع اجتماعی» از منتقدان اصلی مجازات زندان هستند. آنان برای موضع‌گیری انتقادی خود دلایل مختلفی دارند، نخستین دلیلی که ارایه می‌دهند این است که اگر هدف انسان‌های اواخر سده‌ی هجدهم عبر آموزشی مجرم و جامعه بوده است و انسان‌های قرن نوزدهم هدف از اجرای زندان را ندامت و پشیمانی محکوم می‌دانستند و انسان‌های سده بیستم نیز بر این باور بودند که زندان مکان و وسیله‌ای است برای بازپروری شخصیت اجتماعی محکوم علیه، واقعیت آن است که پس از اجرای مجازات مذکور همه امیدها بر باد رفته و آنچه در عمل مشاهده می‌شود نتیجه‌ی جز تبدیل زندان به مدرسه جرم‌آموزی و تکرار جرم نبوده است. دلیل دوم که در این زمینه پیروان مکتب دفاع اجتماعی ارایه می‌دهند امنیت که از دیدگاه نظام‌های امروزی زندان فقط باید در سلب آزادی از محکوم خلاصه شود. اما به انتقاد کارشناسان آگاه به مسایل زندان با توجه به وضعیت کیفری حاکم بر زندان‌ها که خشونت و اختلاط و قیود سخت و طاقت‌فرسایی حاکم است مجازات زندان خود نوعی تشبیه بدنی است که به تمامیت جسم و روح محکوم آسیب وارد و هویت او را دگرگون می‌سازد و اختلالاتی در شخصیت وی ایجاد خواهد کرد که درازمدت، فرد مفهوم آزادی و میل به ابتکار را از دست می‌دهد و یا بر عکس حالت طغیان و پرخاشگری و شورش‌های متعدد زندان‌های مختلف ناشی از این حالت به صورت شورش‌های دسته‌جمعی بروز می‌کند. دلیل سوم، آن است که زندانی کردن مجرم منجر به قطع رابطه وی با خانواده گردیده و این مجازات علاوه بر محکوم علیه بر خانواده و نزدیکان وی تحمیل می‌گردد و در حالت استمرار موجبات فروپاشی خانواده را فراهم می‌آورد. این همان چیزی است که حقوقدانان از آن به عنوان «تعارض زندان با اصل شخصی بودن مجازات‌ها» یاد می‌کنند و علت عمده آن است که مجازات اصولاً باید علیه شخص بزهکار به معرض اجرا درآید و اطرافیان او نباید تاوان اشتباهات او را پس دهند. اما اجرای مجازات زندان به دلیل آنکه خانواده و اطرافیان بزهکار را نیز با مشکلات عدیده روحی روانی، اقتصادی و اجتماعی مواجه می‌سازد، به شدت با «اصل شخصی بودن مجازات‌ها» که یک مسلم حقوقی است، در تعارض می‌باشد.

پس در چنین شرایطی چگونه می‌توان نتایج مثبت و ارزنده‌ای را ناشی از اجرای این مجازات انتظار داشت؟

همانگونه که گذشت، هر چند زندان اصولاً مکانی برای نگاه‌داری، عبرت‌آموزی، اصلاح و بازپروری مجرمان بوده و ادعا می‌شود در صورت فراهم بودن شرایط و بسترسازی لازم اقتصادی فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و فیزیکی در انجام رسالت پیشگیرانه و اصلاحی- تربیتی موفق عمل نماید و اگرچه برخی بر این باورند که زندان از لحاظ

بلکه اثرات منفی بی‌شماری در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، روانی، حیثیتی، شغلی و حرفه‌ای در بر دارد زیرا زندان از جهتی موجب تنزل شخصیت و مرگ مدنی فرد در جامعه می‌شود و از جهتی زندانی را دچار از دست دادن حس اطمینان و کاهش اعتماد به نفس، انتقال آموزه‌های مجرمانه، زوال حس مسئولیت، حرفه‌ای شدن مجرمان اتفاقی، شیوع اعتیاد و افزایش بیماری‌های جسمی، جنسی و روحی می‌سازد. صرف‌نظر از این اثرات منفی، تحمل هزینه‌های اقتصادی فراوان بر جامعه، از عوامل مهم ترک تدریجی این مجازات توسط نظام‌های قضایی و تقنینی در دنیا می‌باشد.

پیدایش چنین تردیدهایی بوده است که مسئولان قضایی کشورمان را نیز در سال‌های اخیر پیرو تمرین‌های زندان با تردیدهایی جدی مواجه ساخته است و این تردیدها و نگرانی‌ها سرانجام زمینه روانی و فکری تدابیر جایگزین حبس و اعمال سیاست حبس‌زدایی بارویکرد کاهش آمار ورودی و خروجی زندان‌ها را مهیا نمود.

منابع:

- ۱- دانش، تاج زمان. حقوق زندانیان و علم اداره زندان‌ها انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
- ۲- آنسل، مارک. دفاع اجتماعی، مترجم: دکتر محمد آشوری دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- ۳- پروفیت، آلن. پاسخ‌هایی به خشونت، مترجم: دکتر مرتضی محسن، نشر گنج دانش، ۱۳۷۰.
- ۴- مساواتی، آذر، مجید. جرم‌شناسی؛ نقش خانواده و اقتصاد در جرایم و جرم‌جوئان. جلد اول، انتشارات چهر تبریز، ۱۳۵۷.
- ۵- صانعی، پرویز. حقوق جزای عمومی. نشر گنج دانش، جلد اول، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.
- ۶- گسن، ریموند. جرم‌شناسی کاربردی. مترجم: دکتر مهدی کی‌نیا، نشر علامه طباطبائی، چاپ اول، ۱۳۷۰.



کارکرد اصلاحی- تربیتی به صورت بالقوه مکانی مناسب جهت شناسایی شخصیت بزهکار گذشته او، آسیب‌شناسی رفتار مجرمانه وی و انگیزه شناسی زندانی با هدف تدبیر برنامه‌های روش‌مند و هدف‌گرا به منظور دستیابی به اهداف عالی کیفری می‌باشد، اما تحقیق این رسالت موکول به فراهم نمودن شرایط لازم است. اما فراهم نمودن شرایط زندان را به محیطی خطرناک مبدل می‌سازد که نه تنها طرح و اندیشه‌های برای بازپروری و جامعه‌پذیری مجدد بزهکار ارایه نمی‌کند،

همراهان عزیز و ارجمند لطفاً به سوال‌های پیوست پاسخ دهید.

- ۱- وضعیت زندان‌های ایران در دوران قبل از مشروطیت را تشریح نمایید؟
- ۲- فراش‌باشی‌ها چه کسانی بودند؟ وظیفه آنها چه بود؟
- ۳- اقدامات زندانبان سوئدی به نام «وستهال» در خصوص اصلاح وضعیت زندان‌های ایران چه بود؟
- ۴- مجازات زندان برای اولین بار در کدام قانون برای چه جرایمی و به اقتباس از حقوق کدام کشور وارد قوانین جزایی ایران شد؟
- ۵- چه عاملی ذهنیت مسوولان قضایی و متصدیان زندانبانی کشور را به سوی نگرش‌ها و ترویج سیاست‌های جایگزین زندان رهنمون ساخت؟ نتایج آن چیست؟
- ۶- تأثیرات روانی زندان بر شخص زندانی را توضیح دهید؟ (حداقل دو مورد)
- ۷- زندان چه تأثیراتی بر خانواده زندانی به جای می‌گذارد؟
- ۸- چرا افکار عمومی نحوه اجرای مجازات زندان را مورد انتقاد قرار می‌دهند؟
- ۹- تنوری معروف به «اصل حسابگری مجرم» توسط چه کسی مطرح شده و بر چه نکته‌ای تأکید می‌ورزد؟
- ۱۰- دلایل طرفداران مکتب دفاع اجتماعی درخصوص انتقاد از ناکارآمدی و بی‌تاثیری مجازات زندان را توضیح دهید. (حداقل دو مورد)